

تحلیل و سنجش عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان در محلات فرودست شهری (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ایلام)

رضا جهان‌بین* - دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز
فریدون بابایی اقدم - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز
شهریور روستایی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز
اکبر اصغری زمانی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۳۱ تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۰۸/۱۵

چکیده

توانمندسازی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی آنگاه می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که با مشارکت همه گروه‌های اجتماعی و برای همه آن‌ها از جمله زنان انجام پذیرد. یکی از اساسی‌ترین موانع توانمندسازی زنان در اسکان غیررسمی که مانع نقش‌آفرینی آنان در فرایند مشارکت در سامان‌دهی محلات مسکونی خویش می‌شود سطح بسیار پایین وضعیت اقتصادی آن‌هاست. سازمان ملل نیز توانمندسازی زنان در سطح گسترده را به‌عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه هزاره سوم اعلام کرده است. هدف از این مقاله تحلیل و بررسی رابطه بین عوامل اقتصادی و توانمندسازی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی است. تحقیق حاضر کاربردی و روش آن پیمایشی است و برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق زنان ۱۸ سال به بالای ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ایلام است که با شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقاتی متناسب با حجم و براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۷۷ نفر انتخاب شدند. روایی پرسش‌نامه با استفاده از روایی محتوا و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ (۰/۸۹) به‌دست آمد. برای تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS از آزمون‌های تحلیل واریانس (F)، پس‌آزمون توکی، همبستگی پیرسون، دونه‌ای مستقل (T)، و تحلیل رگرسیونی بهره گرفته شد. به‌علاوه از نرم‌افزار AMOS برای مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین توانمندسازی زنان و عوامل اقتصادی چون دسترسی به شغل دارای درآمد، نوع شغل، میزان درآمد، دسترسی به تسهیلات بانکی، تحت پوشش نهاد حمایتی بودن، قدرت پس‌انداز، و برخورداری از حق مالکیت قانونی رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان، زنان در توسعه، سکونتگاه‌های غیررسمی، شهر ایلام، عوامل اقتصادی.

مقدمه

طی دهه‌های اخیر در شهرهای کشورهای در حال توسعه در روند توسعه لجام‌گسیخته شهرنشینی شاهد شکل‌گیری ساختار از ریخت‌افتاده‌ای از توسعه بوده‌ایم که، به گفته چارلز آبرامز، حاشیه‌نشینان بوده و در چرخه شهرنشینی «دروازه‌بانان اجتماعی»^۱ نامیده شدند (هیبیتات، ۲۰۱۰). سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری‌اند که درون یا مجاور شهرها با تجمعی از اشخاص کم‌درآمد در سطح نازلی از کمیت و کیفیت شهری شکل می‌گیرند. شرایط کالبدی اسکان غیررسمی و فقر و محرومیت در قیاس با دیگر نواحی شهری آن‌ها را کانونی بحرانی و ضدتوسعه پایدار انسانی کرده است. در این میان، گرچه به‌نظر می‌رسد همه گروه‌های انسانی در این نوع از اسکان در شرایط فقر چندوجهی به‌سر می‌برند، بنا بر تحقیقات انجام‌شده، عوارض و آسیب‌های ناشی از اسکان غیررسمی بیشتر متوجه کودکان و زنان است (هیبیتات، ۲۰۰۳).

زنان با زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی تجربه‌ای متفاوت از تبعیض و محرومیت را می‌چشند، زیرا آنان عهده‌دار فعالیت‌هایی هستند که به کسب درآمد ملموس منجر نمی‌شود و همین امر سبب می‌شود تا آنان موقعیت اجتماعی و اقتصادی پایین‌تری پیدا کنند و دسترسی و مالکیتشان بر منابع محدود شود (صندوق جمعیت سازمان ملل، ۲۰۰۷). در گزارش برنامه اسکان بشر سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ نیز بیان شده که زنان و کودکان در حاشیه‌ها بزرگ‌ترین قربانیان‌اند (هیبیتات، ۲۰۰۳). عوامل بسیاری به‌عنوان متغیرهای مؤثر در وضعیت کنونی زنان مطرح شده است، مانند نابرابری در حقوق شهروندی، نابرابری در قابلیت‌ها در نتیجه نابرابری در فرصت‌ها، و پیامدهای نابرابر سیاست‌های تعدیل ساختاری.

بنابراین، ایده توانمندسازی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی هم‌ناجی آنان در شرایط کنونی است هم‌زمینه‌ساز مشارکت آتی آن‌ها برای سامان‌دهی این نوع از سکونتگاه‌هاست. اما در این میان به‌نظر می‌رسد رویکردهای موجود در مواجهه با محلات فرودست شهری، در بهترین حالت، اغلب محدود به سامان‌دهی کالبدی محلات است و در مواردی که مربوط به مبحث توانمندسازی است باز هم نگاه کالبدی و فیزیکی به محلات حاکمیت دارد (خالوباقری و قریشی، ۱۳۹۰: ۱۲). به‌علاوه می‌توان گفت در کشور ایران، در بهترین شکل برنامه‌ریزی، زنان به‌عنوان گروه‌های منفعل، وابسته، کم‌توان، و نیازمند حمایت در قالب طرح‌های حمایتی و مستحق دریافت کمک‌های خیریه در نظر گرفته شده‌اند (خانی و مردانی، ۱۳۸۷: ۷۶). درحالی‌که در راهبرد توانمندسازی، زنان بخشی از توسعه‌اند و نه صرفاً گروه‌های برخوردار از مواهب توسعه.

از طرف دیگر، بررسی‌های انجام‌شده طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض فقر و نابرابری‌های جنسیتی قرار دارند (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴). فقر زنان شامل جنبه‌های وسیعی چون دسترسی به فرصت‌ها، محرومیت از حق انتخاب، اتکاء به خود، اعتماد به نفس، توانایی و امکان مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی نیز می‌شود (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴).

نگرانی از پیوستن جمعی از زنان به گروه «فقیرترین فقرا» سبب طرح رویکردهای متفاوتی از جمله «توانمندسازی زنان» شده است (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴: ۱). نظریه توانمندسازی زنان، که نزدیک‌ترین نظریه به رویکردهای انسان‌محوری و عدالت‌محوری، رویکرد توسعه‌ای از پایین به بالا و توسعه درون‌زا در پارادایم توسعه پایدار است (جهان‌بین، ۱۳۸۷: ۱۵۱)، در اواسط دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت. این نظریه، که بیشتر از تجربه ریشه‌ای نهادها در جهان

سوم سرچشمه می‌گیرد و در آن از تحقیقات زنان در کشورهای توسعه‌یافته کمتر استفاده شده است، در پی تواناسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در داخل خانواده و جامعه است.

سکونتگاه‌های غیررسمی ایلام از مسئله‌دارترین نقاط در غرب کشور محسوب می‌شوند. زنان در این مناطق در وضعیت ناخوشایندی به لحاظ عدالت اجتماعی و فقر فزاینده و تبعیض به‌سر می‌برند. مطالعات در این سکونتگاه‌ها همگی نشان از حاکمیت شرایط فقر به‌ویژه برای گروه زنان دارد (اسدالهی و دیگران، ۱۳۹۳؛ نقدی و رضایی، ۱۳۹۳؛ مهندسین مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸۶؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

پژوهش حاضر بر توانمندسازی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ایلام متمرکز است که طی آن زنان را بر کنترل بیشتر بر جنبه‌های زندگی خود تشویق می‌نماید و قدرت رویارویی با دشواری‌ها و نیز توانایی نیل به اهداف را در آن‌ها افزایش می‌دهد تا درنهایت به نقش‌آفرینی مؤثرتری در درون خانواده و محلات مسکونی خویش بپردازند. در این رهگذر، توانمندسازی زنان از دو طریق میسر می‌شود: حذف عواملی که مانع فعالیت زنان می‌شود و افزایش توانایی و قابلیت آنان. بر این اساس، مقاله حاضر، با هدف تحلیل رابطه بین عوامل اقتصادی و توانمندسازی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ایلام، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که مهم‌ترین عوامل اقتصادی کدام‌اند و ارتباط هر یک از آن‌ها با توانمندسازی زنان چگونه است؟

مبانی نظری

در سالیان اخیر با روشن شدن اهمیت، نقش، و جایگاه توانمندسازی زنان در برنامه‌های توسعه، بسیاری از پژوهشگران تحقیقاتی در این حیطه انجام داده‌اند. اما تاکنون در زمینه توانمندسازی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی، برنامه‌ریزان شهری مطالعه‌ای انجام نداده‌اند. در این راستا می‌توان به برخی موارد اشاره کرد:

کتابی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با نام «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه» به بررسی برخی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در شهر اصفهان پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، رفع تبعیض از بازار کار، و حذف باورهای سنتی عوامل مؤثری در توانمندسازی زنان‌اند. فنی و فرج‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با نام «توانمندسازی شغلی زنان و توسعه پایدار شهری در شهر تهران» نشان دادند که هرچه امتیاز زنان در توانمندی شغلی در مقایسه با زنان با امتیاز کمتر (سطح متوسط و پایین) بیشتر باشد در فقرزدایی اقتصادی آن‌ها تأثیر بیشتری دارد؛ یعنی نقش اشتغال گروه توانمندتر در فقرزدایی، در مقایسه با دو گروه پایین‌تر (متوسط و پایین)، دارای تفاوت معناداری است. نوابخش و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با موضوع ارزیابی عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی زنان آسیب‌پذیر شهر تهران به بررسی درک بومی از توانمندی اجتماعی و اقتصادی، عوامل مؤثر بر رشد، و موانع آن با دو روش کمی و کیفی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش کیفی نشان می‌دهد که اشتغال، متوازن‌سازی درآمد و هزینه، پس‌انداز، و کارآفرینی در تداوم‌بخشی و پایدارسازی توانمندی اقتصادی افراد نقش تعیین‌کننده داشته‌اند. همچنین، نتایج حاصل از تحقیق کمی نشان می‌دهد که دو عامل آموزش و اشتغال مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در توانمندسازی زنان آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند. هاشمی و همکاران (۱۹۹۶) در مطالعه‌ای در بنگلادش به ارزیابی رابطه توانمندسازی زنان و اعطای تسهیلات بانکی پرداختند. آن‌ها برای آزمون رابطه میان دسترسی زنان به وام‌ها و طیفی از شاخص‌های توانمندسازی این پرسش اساسی را پیش می‌کشند که آیا اصولاً دسترسی زنان به اعتبار می‌تواند تأثیر دگرگون‌کننده مهمی در زندگی آن‌ها داشته باشد. نتیجه تحلیل آن‌ها این است که دسترسی زنان به اعتبار به‌طور قابل توجهی به احتمال افزایش دارایی‌هایی به نام آن‌ها، افزایش اعمال قدرت خرید آن‌ها، افزایش آگاهی

سیاسی و حقوقی‌شان، و نیز افزایش شاخص ترکیبی توانمندسازی یاری رسانده است. همچنین، دسترسی به اعتبار با سطوح بالایی از تحرک، مشارکت سیاسی، و درگیرشدنشان در تصمیم‌گیری اصلی درمورد برخی از سازمان‌های اعتباردهنده همراه است. رحمان (۱۹۸۶) و پیت و خاندکر (۱۹۹۶) نیز در مطالعات خود دریافتند که زنانی که وام (تسهیلات بانکی) می‌گیرند، در مقایسه با زنان خانوارهایی که مردان وام دریافت کرده‌اند یا خانوارهایی در همان سطح اقتصادی که هیچ وامی دریافت نکرده‌اند، از سطح بالاتری از رفاه برخوردار بوده‌اند. بشری و وجیهه^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با نام «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان در پاکستان» به مطالعه ۲۰۰ زن در لاهور پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که محتوای آموزش، مشارکت اقتصادی، و فرصت‌های اقتصادی موجود برای زنان توانمندی آن‌ها را افزایش می‌دهد؛ به طوری که می‌توان بر این عوامل برای افزایش نقش زنان در جامعه متمرکز شد.

صاحب‌نظران تعاریف گوناگونی برای توانمندسازی زنان ارائه داده‌اند. در ادبیات مربوطه، برای تعریف این مفهوم به گستره‌ای وسیع از مفاهیمی نظیر حق انتخاب، کنترل داشتن، و دسترسی به منابع، احساس استقلال، و اعتماد به نفس بیشتر اشاره شده است. ریفکین توانمندسازی را فرایندی می‌داند که به واسطه آن افراد بر امور و کارهایشان تسلط بیشتری می‌یابند و با کسب قدرت بیشتر کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی، و مشارکت فعال قادرند مسیر زندگی‌شان را به‌درستی هدایت کنند (ریفکین، ۲۰۰۳: ۱۷۳). اگبومه توانمندسازی زنان را فرایندی پویا می‌داند که توانایی زنان برای تغییر ساختارها و ایدئولوژی‌هایی که آن‌ها را در موقعیت فرودستی (وابستگی) نگه داشته است دربر می‌گیرد (اگبومه، ۲۰۰۱: ۱۳).

نظریه توانمندسازی زنان آن‌ها را به کنترل بیشتر جنبه‌های گوناگون زندگی‌شان تشویق می‌کند. در این نظریه، نابرابری بر مبنای طبقه اجتماعی، جنسیت، و نژاد محکوم شده است. بر این اساس، هر فرد باید موقعیت آن را داشته باشد که از همه توانایی و خلاقیت‌هایش استفاده کند (ابوالفتح‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۷-۹).

نایلا کبیر، به‌عنوان یکی از طرفداران نظریه توانمندسازی زنان، بر آن است که توانمندسازی به پیشرفت توانایی افراد در اتخاذ تصمیمات راهبردی زندگی اطلاق می‌شود؛ درحالی‌که همین افراد در گذشته از داشتن این توانایی محروم بوده‌اند (کبیر، ۲۰۰۰: ۲). از نظر وی، در قالب تعاریف و مفاهیم، توانمندسازی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک است: منابع، عاملیت، و دستاوردها. نخستین بُعد توانمندسازی منابع است که دربرگیرنده منابع متنوع انسانی و اجتماعی است که توانایی انجام‌دادن انتخاب را افزایش می‌دهد و از عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی است؛ همچون اشتغال و آموزش. دومین بُعد عاملیت است که عبارت است از توانایی تعریف و تعیین هدف و اقدام در راستای رسیدن به این هدف. این مفهوم درواقع نوعی حس «فاعلیت» و «قدرت درونی» است. درواقع، عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط به‌عنوان دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه زنان باید به‌عنوان بازیگران اصلی در فرایند تغییر به‌ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی آن‌ها دارد در نظر گرفته شوند. سومین بُعد توانمندسازی، دستاوردها یا نتایج انتخاب‌ها و پیامدهاست که در اثر فرایند توانمندسازی ایجاد می‌شوند، همچون داشتن مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی (کبیر، ۱۹۹۹).

انتخاب‌های اصلی و سرنوشت‌ساز زندگی، مثل نحوه تأمین معیشت و امرار معاش، مکان زندگی، آزادی جابه‌جاشدن، و گزینش دوستان از جمله انتخاب‌هایی محسوب می‌شوند که در مرتبه اول قرار می‌گیرند و در انتخاب نحوه زندگی انسان‌ها بسیار اساسی‌اند. انتخاب‌های اصلی به شکل‌گیری سایر انتخاب‌ها یعنی انتخاب‌های مرتبه دوم و کم‌اهمیت‌تر

کمک می‌کند که ممکن است برای کیفیت زندگی فرد مهم باشند، اما عناصر تعیین‌کننده آن را تشکیل نمی‌دهند (کبیر، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۵).

از نظر مالوتره و همکارانش، منابع به‌تنهایی و به‌خودی‌خود توانمندشدن تلقی نمی‌شوند؛ بلکه همچون عامل تسریع و تسهیلگر (کاتالیزور) توانمندسازی یا شرایطی که موجب وقوع توانمندی می‌شود در نظر گرفته می‌شوند، مانند تحصیلات و اشتغال. جزء دوم، یعنی عاملیت، در مرکز بسیاری از مفهومی‌پردازی‌های توانمندسازی قرار دارد. عاملیت انسانی به‌عنوان فرایند از میان برداشتن انواع مختلف عواملی است که مانع انتخاب و عاملیت انسانی می‌شود. این مفهوم دربرگیرنده توانایی ضابطه‌گذاری برای انتخاب‌های سرنوشت‌ساز و کنترل منابع و تصمیماتی است که در نتایج مهم زندگی تأثیر می‌گذارند. مالوتره و همکارانش بر آن‌اند که بهتر است بُعد سوم یعنی دستاوردها را به‌عنوان پیامدهای توانمندسازی در نظر بگیریم تا خود توانمندی (مالوتره و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۶). به این ترتیب، بنیاد نظری این پژوهش بر نظریه توانمندسازی نایلا کبیر و نقد این نظریه توسط مالوتره و همکارانش قرار دارد.

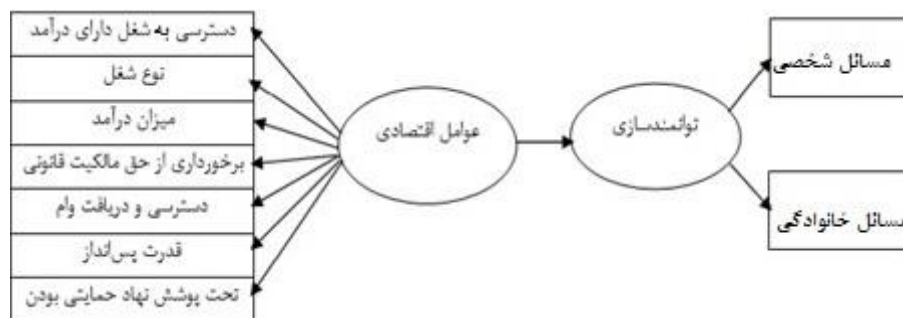
روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از حیث روش بررسی مبتنی بر روش پیمایشی است. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز پژوهش، باتوجه‌به ماهیت موضوع، به دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی بوده است که در این میان داده‌های میدانی با استفاده از تنظیم و تکمیل پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. روایی محتوا و صوری پرسش‌نامه توسط کارشناسان تأیید نشد و پایایی آن نیز به‌وسیله آلفای کرونباخ ۸۹ درصد به‌دست آمده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان ۱۸ سال به بالای ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ایلام است. حجم نمونه ۳۷۷ نفر بوده است که با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقاتی متناسب با حجم است.

تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های تحلیل واریانس (F)، پس‌آزمون توکی، همبستگی پیرسون، دونمونه‌ای مستقل (T)، و تحلیل رگرسیونی انجام گرفته است. همچنین، از نرم‌افزار AMOS برای ترسیم مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است.

همچنین، در مقاله پیش رو به بررسی رابطه توانمندسازی زنان به‌عنوان متغیر وابسته و عوامل اقتصادی به‌عنوان متغیرهای مستقل پرداخته شده است. به‌منظور سنجش توانمندسازی زنان به‌عنوان متغیر وابسته، توانمندی آن‌ها در دو حیطه مسائل فردی و خانوادگی در طیف لیکرت سنجیده شده است. حیطه مسائل فردی شامل موارد ادامه تحصیل دادن، زمان ازدواج، انتخاب همسر، انتخاب شغل برای خود، نحوه خرج کردن درآمد شخصی، اختیار دخل و تصرف در اموال شخصی مانند ملک، زمین، پس‌انداز و وام و ... برنامه‌ریزی برای اوقات روزانه، رفت‌وآمدها به بیرون از منزل و محله و انتخاب دوستان است. حیطه مسائل خانوادگی شامل موارد تنظیم بودجه خانواده، خرید املاک و منزل، خرید ماشین، خرید وسایل زندگی، سفر رفتن و رفت‌وآمدهای خانوادگی، و انتخاب مکان زندگی است.

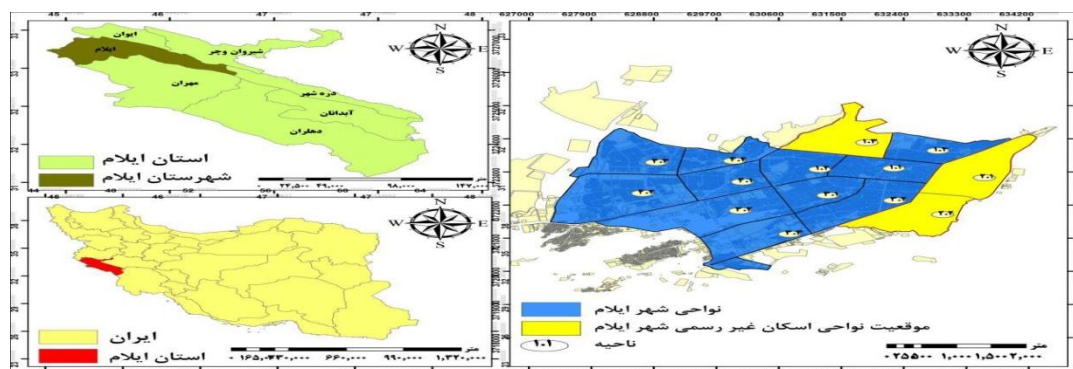
پس از مطالعه مبانی نظری و تحقیقات مرتبط داخلی و خارجی، مدل مفهومی تحقیق به‌صورت شکل ۱ نمایش داده می‌شود.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

محدوده و قلمرو پژوهش

شهرستان ایلام یکی از شهرستان‌های استان ایلام است که در شمال غرب استان واقع شده و مرکز آن شهر ایلام است. محدوده جغرافیایی پژوهش شهر ایلام، این شهرستان به‌عنوان مرکز استان ایلام دارای دو بخش است که شامل ۲ شهر و ۴ دهستان و ۷۸ آبادی دارای سکنه است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان ۲۳۵۱۴۴ نفر بوده است که از این تعداد ۸۵ درصد آن در نقاط شهری و ۱۵ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. در این میان ۱۹۴۰۰۰ نفر در محدوده قانونی شهر سکنی گزیده‌اند. همچنین، محدوده قانونی شهر ایلام با مساحت ۱۸۰۰ هکتار، دارای ۴ منطقه شهری و ۱۴ ناحیه است که ۳ ناحیه آن را به‌طور کامل سکونتگاه‌های غیررسمی به نام‌های بانبرز، بانبور، و سبزی‌آباد مجموعاً با جمعیتی بالغ بر ۵۳۰۰۰ نفر و با مساحتی به مقدار تقریبی ۴۰۰ هکتار تشکیل داده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی و نواحی اسکان غیررسمی شهر ایلام (مأخذ: نگارندگان براساس نقشه پایه مرکز آمار ایران)

بحث و یافته‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که از ۳۷۷ نفر زنان پاسخ‌گو به پرسش‌نامه، ۱۲۹ نفر مربوط به منطقه بان برز، ۱۱۲ نفر منطقه بان بوز، و ۱۳۶ نفر مربوط به منطقه سبزی‌آباد بودند. از نظر توزیع سنی پاسخ‌گویان، ۴۱٫۹ درصد زیر ۳۰ سال، ۴۱٫۹ درصد ۳۰ تا ۴۵ سال، و ۱۶٫۲ درصد ۴۵ تا ۶۰ سال سن داشته‌اند. از نظر وضعیت تأهل ۲۵٫۲ درصد مجرد، ۶۶ درصد متأهل، و ۸٫۸ درصد بدون همسر بوده‌اند. در زمینه تحصیلات پاسخ‌گویان، ۷۶٫۹ درصد دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر از آن‌اند، ۴٫۲ درصد مدرک کاردانی، و ۱۸٫۸ درصد مدرک لیسانس و بالاتر از آن را داشته‌اند. از نظر وضعیت اشتغال، ۹٫۶ درصد شاغل، ۰٫۵ درصد بازنشسته، و ۸۹٫۹ درصد بیکار (خانه‌دار، در جست‌وجوی کار، در حال تحصیل) هستند. از آن دسته از زنان پاسخ‌گو نیز که شاغل‌اند ۸ درصد در مشاغل آزاد (خیاطی، کاربر رایانه، آرایشگری، و مغازه‌داری) و ۳٫۴ درصد در مشاغل دولتی (پرستار، کارمند، و معلم) مشغول به کارند.

از آنجا که هدف از این تحقیق بررسی رابطه عوامل اقتصادی و توانمندسازی زنان بوده است، عوامل اقتصادی مطرح

در این تحقیق عبارت‌اند از: دسترسی به شغل دارای درآمد، نوع شغل (آزاد، دولتی)، میزان درآمد، دسترسی به تسهیلات بانکی نظیر وام، برخورداری از حق مالکیت قانونی (خانه، زمین، ماشین، سپرده بانکی، طلا و جواهر)، قدرت پس‌انداز، تحت پوشش نهاد حمایتی قرارداشتن.

رابطه بین دسترسی به شغل دارای درآمد و توانمندسازی زنان

در این پژوهش باتوجه‌به اینکه متغیر دسترسی به شغل دارای درآمد از نوع اسمی است و متغیر توانمندسازی زنان از نوع فاصله‌ای است، برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون تحلیل واریانس (F) استفاده شد. باتوجه‌به جدول ۱، که توزیع زنان پاسخ‌گو را برحسب میانگین توانمندسازی و دسترسی به شغل دارای درآمد نشان می‌دهد، میانگین توانمندسازی برای پاسخ‌گویان شاغل برابر با ۳۶۳ است؛ برای زنان بازنشسته برابر با ۴۲۵ است و برای پاسخ‌گویانی که از نظر وضعیت اشتغال، بیکار (خانه‌دار، در جست‌وجوی کار، در حال تحصیل) بوده‌اند میانگین توانمندسازی برابر با ۲۷۶ است.

جدول ۱. توزیع پاسخ‌گویان برحسب میانگین توانمندسازی و دسترسی به شغل دارای درآمد

وضعیت اشتغال	توانمندسازی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
شاغل	۳۶	۳۶۳	۰٫۸۶	
بازنشسته	۲	۴۲۵	۰٫۰۰	
بیکار	۳۳۶	۲۷۶	۰٫۸۸	
جمع کل	۳۷۴	۲۸۸	۰٫۹۱	

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس بین دسترسی به شغل دارای درآمد و متوسط توانمندسازی

سطح معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	واریانس
۰٫۰۰۰	۱۷٫۲۵۱	۱۳٫۱۵۳	۲	۲۶۳۰۶	بین گروهی
		۰٫۷۶۲	۳۷۱	۲۸۲۸۷۰	درون گروهی
			۳۷۳	۳۰۹۱۷۶	جمع کل

باتوجه‌به مقدار $F = 17.251$ و سطح معنی‌داری $= 0.000$ ، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون‌گروهی و بین‌گروهی میانگین توانمندسازی زنان و دسترسی به شغل متفاوت است. به عبارت دیگر، بین وضعیت دسترسی به شغل دارای درآمد و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. جدول پس‌آزمون توکی (جدول ۳)، که بیانگر تفاوت میانگین گروه‌های زوجی وضعیت دسترسی به شغل زنان با یکدیگر است، تفاوت متوسط توانمندسازی را در بین گروه‌های شاغل، بازنشسته، و بیکار به‌خوبی نشان می‌دهد. میانگین توانمندسازی زنان شاغل با بیکار دارای تفاوت معنادار است. همچنین، میانگین توانمندسازی زنان بازنشسته با بیکار تفاوت معناداری دارند. به عبارت دیگر، توانمندسازی زنان بیکار با زنان شاغل و بازنشسته دارای تفاوت معنادار است و میانگین توانمندی زنان بیکار نسبت به دو گروه یادشده کمتر است.

جدول ۳. نتایج پس‌آزمون توکی بین وضعیت دسترسی به شغل زنان

سطح معنی‌داری	انحراف معیار	تفاوت میانگین (I-J)	شغل زن (J)	شغل زن (I)
۰٫۵۹۲	۰٫۶۳	-۰٫۶۱	بازنشسته	شاغل
۰٫۰۰۰	۰٫۱۵	*۰٫۸۳	بیکار	شاغل
۰٫۵۹۲	۰٫۶۳	۰٫۶۱	شاغل	بازنشسته
۰٫۰۵۱	۰٫۶۱	۱٫۴۵	بیکار	بازنشسته
۰٫۰۰۰	۰٫۱۵	*-۰٫۸۳	شاغل	بیکار
۰٫۰۵۱	۰٫۶۱	-۱٫۴۵	بازنشسته	بیکار

رابطه بین نوع شغل و توانمندسازی زنان

نظر به اینکه متغیر نوع شغل از نوع اسمی است و متغیر توانمندسازی زنان از نوع فاصله‌ای است، برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون تحلیل واریانس (F) استفاده شد. باتوجه به جدول ۴، که توزیع زنان پاسخ‌گو را برحسب میانگین توانمندسازی و نوع شغل نشان می‌دهد، میانگین توانمندسازی برای پاسخ‌گویان بیکار برابر با ۲/۸۱ است؛ برای زنانی که شغل آن‌ها آزاد (شغل خیاطی، کاربر رایانه، آرایشگر، و مغازه‌دار) است برابر با ۳/۰۶ است و برای پاسخ‌گویانی که شغل آن‌ها دولتی (پرستار، کارمند، و معلم) است برابر با ۴/۳۴ به دست آمد.

جدول ۴. توزیع پاسخ‌گویان برحسب میانگین توانمندسازی و نوع شغل

نوع شغل	توانمندسازی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
بیکار		۳۳۳	۲/۸۱	۰/۸۷
آزاد		۳۰	۳/۰۶	۰/۸۶
دولتی		۱۳	۴/۳۴	۰/۵۷۰
جمع کل		۳۷۶	۲/۸۹	۰/۹۱

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس بین نوع شغل و متوسط توانمندسازی زنان

سطح معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	واریانس
۰/۰۰۰	۲۰/۳۸۱	۱۵/۲۳۸	۲	۳۰/۴۷۶	بین گروهی
		۰/۷۴۸	۳۷۳	۲۷۸/۸۸۵	درون گروهی
			۳۷۵	۳۰۹/۳۶۱	جمع کل

باتوجه به مقدار $F = ۲۰/۳۸۱$ و سطح معنی‌داری $= ۰/۰۰۰$ ، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین توانمندسازی زنان و نوع شغل متفاوت است. به عبارت دیگر، بین نوع شغل و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. جدول پس‌آزمون توکی (جدول ۶) تفاوت متوسط توانمندسازی را در بین گروه‌های بیکار و دارای شغل آزاد و دولتی به خوبی نشان می‌دهد. میانگین توانمندسازی زنان بیکار با زنان دارای شغل دولتی تفاوت معنادار است. همچنین، میانگین توانمندسازی زنان دارای شغل آزاد با زنان دارای شغل دولتی نیز تفاوت معناداری دارد. به عبارت دیگر، توانمندسازی زنان شاغل در بخش دولتی با توانمندسازی زنان بیکار و شاغل در مشاغل آزاد دارای تفاوت معنادار است و زنان شاغل در بخش دولتی نسبت به زنان بیکار و شاغل در مشاغل آزاد از توانمندی بیشتری برخوردارند.

جدول ۶. نتایج پس‌آزمون توکی بین نوع شغل زنان

سطح معنی‌داری	انحراف معیار	تفاوت میانگین (I-J)	شغل زن (J)	شغل زن (I)
۰/۲۰۶	۰/۱۶	-۰/۲۸	آزاد	بیکار
۰/۰۰۰	۰/۲۴	*-۱/۵۲	دولتی	بیکار
۰/۲۰۶	۰/۱۶	۰/۲۸	بیکار	آزاد
۰/۰۰۰	۰/۲۸	*-۱/۲۴	دولتی	آزاد
۰/۰۰۰	۰/۲۴	*۱/۵۲	بیکار	دولتی
۰/۰۰۰	۰/۲۸	*۱/۲۴	آزاد	دولتی

رابطه بین میزان درآمد و توانمندسازی زنان

از آنجا که متغیر میزان درآمد از نوع اسمی است و متغیر توانمندسازی زنان از نوع فاصله‌ای است، برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون تحلیل واریانس (F) استفاده شد. باتوجه به جدول ۷ که توزیع زنان پاسخ‌گو را برحسب میانگین توانمندسازی و میزان درآمد نشان می‌دهد، میانگین توانمندسازی برای پاسخ‌گویان بدون درآمد برابر با ۲/۷۶ است؛ برای

زنانی که درآمد آن‌ها کمتر از ۱۰۰ هزار تومان است برابر است با ۳/۲۹، برای پاسخ‌گویانی که درآمد آن‌ها بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است برابر است با ۳/۱۸ و برای زنانی که درآمد آن‌ها بیش از ۳۰۰ هزار تومان است، میانگین توانمندسازی برابر است با ۴/۱۱.

جدول ۷. توزیع پاسخ‌گویان برحسب میانگین توانمندسازی و میزان درآمد

درآمد	توانمندسازی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
بدون درآمد		۳۱۱	۲/۷۶	۰/۸۷
کمتر از ۱۰۰ هزار تومان		۶	۳/۲۹	۰/۶۴
بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان		۳۶	۳/۱۸	۰/۷۹
بیش از ۳۰۰ هزار تومان		۲۱	۴/۱۱	۰/۶۵
جمع کل		۳۷۴	۲/۸۸	۰/۹۱

جدول ۸. نتایج آزمون تحلیل واریانس بین میزان درآمد و متوسط توانمندسازی زنان

سطح معنی‌داری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	واریانس
۰/۰۰۰	۱۸/۴۶۴	۱۳/۴۲۰	۳	۴۰/۲۶۰	بین گروهی
		۰/۷۲۷	۳۷۰	۲۸۶/۹۱۶	درون گروهی
			۳۷۳	۳۰۹/۱۷۶	جمع کل

باتوجه به مقدار $F = 18/464$ و سطح معنی‌داری $= 0/000$ ، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین توانمندسازی زنان و میزان درآمد متفاوت است. به عبارت دیگر، بین میزان درآمد و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. جدول پس‌آزمون توکی (جدول ۹)، تفاوت متوسط توانمندسازی را در بین گروه‌های درآمدی مختلف به‌خوبی نشان می‌دهد. میانگین توانمندسازی زنان بدون درآمد با زنانی که درآمد آن‌ها بیش از ۳۰۰ هزار تومان است تفاوت معنادار است. همچنین، میانگین توانمندسازی زنان دارای درآمد بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان با زنانی که درآمد آن‌ها بیش از ۳۰۰ هزار تومان است نیز تفاوت معناداری دارد. به عبارت دیگر، توانمندسازی زنانی که درآمد آن‌ها بیش از ۳۰۰ هزار تومان است با زنان بدون درآمد و زنانی که درآمد آن‌ها بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است دارای تفاوت معنادار است.

جدول ۹. نتایج پس‌آزمون توکی بین میزان درآمد زنان

سطح معنی‌داری	انحراف معیار	تفاوت میانگین (I-J)	شغل زن (J)	شغل زن (I)
۰/۴۳۲	۰/۳۵	-۰/۵۳	کمتر از ۱۰۰ هزار	بدون درآمد
۰/۰۲۹	۰/۱۵	*-۰/۴۱	بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار	بدون درآمد
۰/۰۰۰	۰/۱۹	*-۱/۳۴	بیش از ۳۰۰ هزار	بدون درآمد
۰/۴۳۲	۰/۳۵	۰/۵۳	بدون درآمد	کمتر از ۱۰۰ هزار تومان
۰/۹۹۱	۰/۳۷	۰/۱۱	بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار	کمتر از ۱۰۰ هزار تومان
۰/۱۶۶	۰/۳۹	-۰/۸۱	بیش از ۳۰۰ هزار	کمتر از ۱۰۰ هزار تومان
۰/۰۲۹	۰/۱۵	*۰/۴۱	بدون درآمد	بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان
۰/۹۹۱	۰/۳۷	-۰/۱۱	کمتر از ۱۰۰ هزار	بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان
۰/۰۰۱	۰/۲۳	*-۰/۹۲	بیش از ۳۰۰ هزار	بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان
۰/۰۰۰	۰/۱۹	*۱/۳۴	بدون درآمد	بیش از ۳۰۰ هزار تومان
۰/۱۶۶	۰/۳۹	۰/۸۱	کمتر از ۱۰۰ هزار	بیش از ۳۰۰ هزار تومان
۰/۰۰۱	۰/۲۳	*۰/۹۲	بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار	بیش از ۳۰۰ هزار تومان

رابطه بین دسترسی به تسهیلات بانکی و توانمندسازی زنان

از آنجا که متغیر دسترسی به تسهیلات بانکی از نوع رتبه‌ای است و متغیر توانمندسازی زنان از نوع فاصله‌ای است، برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون تحلیل واریانس (F) استفاده شد. باتوجه به جدول ۱۰، که توزیع زنان پاسخ‌گو را برحسب میانگین توانمندسازی و دسترسی به تسهیلات بانکی نشان می‌دهد، میانگین توانمندسازی برای پاسخ‌گویی که میزان دسترسی آن‌ها به تسهیلات بانکی کم است برابر با ۲/۷۷ است؛ برای زنانی که میزان دسترسی آن‌ها به تسهیلات بانکی متوسط است برابر با ۳/۶۷ است و برای پاسخ‌گویی که میزان دسترسی آن‌ها به تسهیلات بانکی زیاد است برابر با ۳/۰۱ است.

جدول ۱۰. توزیع پاسخ‌گویان برحسب میانگین توانمندسازی و دسترسی به تسهیلات بانکی

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	توانمندسازی	دسترسی به تسهیلات بانکی
۰/۸۸	۲/۷۷	۳۲۲		کم
۰/۸۰	۳/۶۷	۴۱		متوسط
۰/۳۱	۳/۰۱	۹		زیاد
۰/۹۱	۲/۸۸	۳۷۲		جمع کل

جدول ۱۱. نتایج آزمون تحلیل واریانس بین دسترسی به تسهیلات بانکی و متوسط توانمندسازی زنان

وارینانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۲۹/۶۹۵	۲	۱۴/۸۴۷	۱۹/۸۵۹	۰/۰۰۰
درون گروهی	۲۷۵/۸۷۷	۳۶۹	۰/۷۴۸		
جمع کل	۳۰۵/۵۷۲	۳۷۱			

باتوجه به مقدار $F = ۱۹/۸۵۹$ و سطح معنی‌داری $= ۰/۰۰۰$ ، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین توانمندسازی زنان و دسترسی به تسهیلات بانکی متفاوت است. به عبارت دیگر، بین دسترسی به تسهیلات بانکی و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. جدول پس‌آزمون توکی (جدول ۱۲) تفاوت متوسط توانمندسازی را در بین گروه‌های مختلف زنان برحسب دسترسی به تسهیلات بانکی به‌خوبی نشان می‌دهد. در این میان تنها میانگین توانمندسازی زنانی که به میزان کمی به تسهیلات بانکی دسترسی دارند با زنانی که به‌طور متوسط به تسهیلات بانکی دسترسی دارند دارای تفاوت معنادار است و میانگین توانمندی در سایر گروه‌ها تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند.

جدول ۱۲. نتایج پس‌آزمون توکی بین میزان دسترسی به تسهیلات بانکی زنان

شغل زن (I)	شغل زن (J)	تفاوت میانگین (I-J)	انحراف معیار	سطح معنی‌داری
کم	متوسط	*-۰/۸۹	۰/۱۴	۰۰۰
	زیاد	-۰/۳۲	۰/۲۹	۰/۵۰۷
متوسط	کم	*۰/۸۹	۰/۱۴	۰/۰۰۰
	زیاد	۰/۵۷	۰/۳۱	۰/۱۷۲
زیاد	کم	۰/۳۲	۰/۲۹	۰/۵۰۷
	متوسط	-۰/۵۷	۰/۳۱	۰/۱۷۲

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد زنانی که به تسهیلات بانکی دسترسی کمتری دارند میانگین توانمندی نیز در آن‌ها پایین است. مطالعات نشان داده است زنانی که وام (تسهیلات بانکی) می‌گیرند در مقایسه با زنان خانوارهایی که مردان وام دریافت کرده‌اند یا خانوارهایی در همان سطح اقتصادی که هیچ وامی دریافت نکرده‌اند از سطح بالاتری از رفاه برخوردار بوده‌اند. این تسهیلات زمانی به

توانمندسازی زنان منجر می‌شود که مستقیماً در دسترس و کنترل آنان قرار گیرد و چنانچه از آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای دست‌یابی به این تسهیلات به‌منظور بهره‌مندی سایر اعضای خانواده استفاده شود، به توانمندسازی زنان کمکی نمی‌کند. در این راستا لازم است که ساختارهای بازدارنده فرهنگی ارزیابی شوند تا در نهایت دریافت تسهیلات بانکی به بدهکاری توأمان با بیکاری زنان منجر نشود، زیرا در این صورت فقر و ناتوانمندی آن‌ها تشدید خواهد شد.

رابطه بین برخورداری از حق مالکیت قانونی و توانمندسازی زنان

برای بررسی میزان برخورداری زنان مورد مطالعه از حق مالکیت قانونی از آنان خواسته شد تا پشتوانه مالی و امکانات خود را در موارد زیر مشخص کنند: خانه، زمین، ماشین، سپرده بانکی، طلا و جواهر. بر این اساس که متغیر حق مالکیت قانونی از نوع فاصله‌ای است و متغیر توانمندسازی زنان نیز از نوع فاصله‌ای، برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون پیرسون استفاده شد.

جدول ۱۳. ضریب همبستگی پیرسون بین برخورداری از حق مالکیت قانونی و توانمندسازی زنان

توانمندسازی	برخورداری از حق مالکیت قانونی	ضریب همبستگی پیرسون
-۰٫۲۵۱	۱	ضریب همبستگی پیرسون
۰٫۰۰۰		سطح معنی‌داری (دوطرفه)
۳۷۶	۳۷۷	تعداد
۱	-۰٫۲۵۱	ضریب همبستگی پیرسون
	۰٫۰۰۰	سطح معنی‌داری (دوطرفه)
۳۷۶	۳۷۶	تعداد

باتوجه به نتایج آزمون پیرسون (مقدار $Z = -0.251$ و سطح معنی‌داری $= 0.000$)، می‌توان اذعان کرد که بین برخورداری از حق مالکیت قانونی و توانمندسازی زنان با اطمینان لازم رابطه معنادار و غیرمستقیم برقرار است. یعنی هرچه سطح برخورداری از حق مالکیت قانونی زنان بیشتر باشد، توانمندی زنان کمتر است و بالعکس. این مسئله نشان‌دهنده آن است که برخورداری از حق مالکیت قانونی در بین زنان به افزایش تصمیم‌گیری در حوزه فردی و خانوادگی منجر نمی‌شود و حتی در برخی موارد برخورداری از حق مالکیت قانونی می‌تواند به کنترل و محدود شدن زنان بینجامد.

بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان از نظر مالکیت اموال و دارایی‌ها در سطح پایینی هستند. ۹ درصد دارای مالکیت خانه‌اند، ۲ درصد مالکیت زمین را در اختیار دارند، ۴ درصد دارای مالکیت ماشین‌اند، ۴/۲ درصد سپرده بانکی در اختیار دارند، و ۲۲ درصد دارای طلا و جواهرات‌اند.

این مسئله به دلیل باورهای جنسیتی موجود در جامعه است که به ضرر زنان عمل می‌کند. زنان کار خانگی انجام می‌دهند و دستمزدی بابت آن دریافت نمی‌کنند و این به معنی آن است که از نظر مالی به مردان وابسته می‌شوند و به پول یا پشتوانه مالی که از آن خود آن‌ها باشد دسترسی ندارند. از این‌رو، از نظر حقوق مالکیت اموال، در سطح بسیار پایینی قرار دارند.

رابطه بین تحت پوشش نهاد حمایتی قراردادی و توانمندسازی

باتوجه به اینکه متغیر تحت پوشش نهاد حمایتی قراردادی از نوع اسمی دومقوله‌ای است و متغیر توانمندسازی زنان از نوع فاصله‌ای است، برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون دونمونه‌ای مستقل (T) استفاده شد. باتوجه به جدول ۱۴، که توزیع زنان پاسخ‌گو را برحسب میانگین توانمندسازی و تحت پوشش نهاد حمایتی قراردادی نشان می‌دهد، میانگین توانمندسازی برای پاسخ‌گویی که تحت پوشش نهاد حمایتی خاصی قرار دارند برابر با ۳/۱۱ است؛ برای زنانی که تحت پوشش نهاد حمایتی خاصی قرار ندارند برابر با ۲/۸۴ است.

جدول ۱۴. آمار توصیفی آزمون T-TEST: تفاوت میانگین توانمندسازی زنان برحسب تأثیر تحت پوشش نهاد حمایتی بودن

توانمندسازی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تحت پوشش نهاد حمایتی بودن
	۵۷	۳,۱۱	۰,۷۵	بله
	۳۱۸	۲,۸۴	۰,۹۲	خیر
	۳۷۵	۲,۸۹	۰,۹۰	جمع کل

جدول ۱۵. نتایج آزمون دونمونه‌ای مستقل (T) بین تحت پوشش نهاد حمایتی بودن و متوسط توانمندسازی زنان

تفاوت میانگین	سطح معنی داری (دو طرفه)	درجه آزادی	T	واریانس برابر	واریانس نابرابر
۰,۲۶	۰,۰۳۹	۳۷۳	۲,۰۷۱	توانمندسازی	توانمندسازی
۰,۲۶	۰,۰۱۹	۸۹,۰۰۷	۲,۳۸۳		

نتایج به دست آمده از آزمون دونمونه‌ای مستقل (مقدار $t = ۲,۰۷۱$ و سطح معنی داری $= ۰,۰۳۹$) بیانگر وجود تفاوت معنادار بین میانگین توانمندسازی زنان برحسب کسانی که تحت پوشش نهاد حمایتی خاصی قرار دارند با کسانی که تحت پوشش نهاد حمایتی خاصی قرار ندارند است و با مقایسه میانگین‌ها در بین دو گروه (پاسخ‌گویان بله با میانگین $= ۳,۱۱$ و پاسخ‌گویان خیر با میانگین $= ۲,۸۴$)، توانمندی در بین زنانی که جواب بله داده‌اند نسبت به زنانی که جواب خیر داده‌اند مشاهده می‌کنیم. به عبارت دیگر، توانمندی در بین زنانی که تحت پوشش نهاد حمایتی خاصی قرار دارند بیشتر است.

رابطه بین قدرت پس‌انداز و توانمندسازی زنان

از آنجا که متغیر قدرت پس‌انداز از نوع رتبه‌ای است و متغیر توانمندسازی زنان از نوع فاصله‌ای است، برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون تحلیل واریانس (F) استفاده شد. باتوجه به جدول ۱۴، که توزیع زنان پاسخ‌گو را برحسب میانگین توانمندسازی و قدرت پس‌انداز نشان می‌دهد، میانگین توانمندسازی برای پاسخ‌گویی که میزان پس‌انداز آن‌ها کم است برابر با $۲,۸۰$ است؛ برای زنانی که میزان پس‌انداز آن‌ها متوسط است برابر با $۳,۳۳$ است و برای پاسخ‌گویی که میزان پس‌انداز آن‌ها زیاد است برابر با $۳,۵۶$ است.

جدول ۱۶. توزیع پاسخ‌گویان برحسب میانگین توانمندسازی و قدرت پس‌انداز

توانمندسازی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	دسترسی به تسهیلات بانکی
	۳۲۱	۲,۸۰	۰,۹۲	کم
	۴۰	۳,۳۳	۰,۶۸	متوسط
	۱۳	۳,۵۶	۰,۷۰	زیاد
	۳۷۴	۲,۸۸	۰,۹۱	جمع کل

جدول ۱۷. نتایج آزمون تحلیل واریانس بین قدرت پس‌انداز و متوسط توانمندسازی زنان

سطح معنی داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	واریانس
۰,۰۰۰	۱۰,۲۸۳	۸,۱۱۹	۲	۱۶,۲۳۹	بین گروهی
		۰,۷۹۰	۳۷۱	۲۹۲,۹۳۷	درون گروهی
			۳۷۳	۳۰۹,۱۷۶	جمع کل

باتوجه به مقدار $F = ۱۰,۲۸۳$ و سطح معنی داری $= ۰,۰۰۰$ ، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین توانمندسازی زنان و قدرت پس‌انداز متفاوت است. به عبارت دیگر، بین قدرت پس‌انداز و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. جدول پس‌آزمون توکی (جدول ۱۸) تفاوت متوسط توانمندسازی را در بین گروه‌های مختلف زنان

برحسب میزان پس‌انداز به‌خوبی نشان می‌دهد. میانگین توانمندسازی زنانی که به میزان کمی پس‌انداز می‌کنند با زنانی که به‌طور متوسط پس‌انداز دارند دارای تفاوت معنادار است. همچنین، میانگین توانمندسازی زنانی که به میزان کمی پس‌انداز می‌کنند با زنانی که به زیاد پس‌انداز می‌کنند دارای تفاوت معنادار است. به عبارت دیگر، زنانی که قدرت پس‌انداز کمتری دارند توانمندی آن‌ها نیز پایین است.

جدول ۱۸. نتایج پس‌آزمون توکی بین قدرت پس‌انداز زنان

سطح معنی‌داری	انحراف معیار	تفاوت میانگین (I-J)	شغل زن (J)	شغل زن (I)
۰/۰۰۱	۰/۱۴	-۰/۵۳۴۱۵	متوسط	کم
۰/۰۰۸	۰/۲۵	-۰/۷۵	زیاد	کم
۰/۰۰۱	۰/۱۴	۰/۵۳	کم	متوسط
۰/۷۱۵	۰/۲۸	-۰/۲۲	زیاد	متوسط
۰/۰۰۸	۰/۲۵	۰/۷۵	کم	زیاد
۰/۷۱۵	۰/۲۸	۰/۲۲	متوسط	زیاد

تحلیل رگرسیونی

پیش از این رابطه متغیرها براساس فرضیات تحقیق به‌صورت دوجه‌دو بررسی شد. اکنون با استفاده از رگرسیون چندمتغیری سعی داریم تأثیر مجموع متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته بررسی کنیم. باتوجه‌به جدول ۱۹، هفت متغیر مستقل در جدول رگرسیونی قرار گرفتند که ضریب همبستگی چندگانه آن‌ها با توانمندسازی زنان برابر $R=0/473$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0/191$ به‌دست آمده است. این ضریب بیانگر آن است که در حدود $0/19$ یعنی ۱۹ درصد از واریانس یا پراکندگی متغیر توانمندسازی زنان توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تجربی تحقیق تبیین می‌شود و بقیه واریانس پراکندگی به‌وسیله متغیرهایی تبیین می‌شود که در این تحقیق وارد نشده است.

جدول ۱۹. خلاصه مدل در خروجی تحلیل رگرسیون چندمتغیره

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R^2)
۰/۴۷۳	۰/۱۹۱

جدول ۲۰. ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

Model	ضریب استاندارد		T	سطح معنی‌داری
	ضریب زاویه β	انحراف استاندارد		
دسترسی به شغل دارای درآمد	-۰/۳۰	۰/۱۸۵	-۰/۱۹	۰/۸۷۳
نوع شغل	۰/۵۷	۰/۲۱۷	۰/۲۸	۰/۷۹۵
میزان درآمد	۰/۲۲۶	۰/۱۰۱	۰/۲۱۹	۰/۰۲۶
دسترسی به تسهیلات بانکی	۰/۴۰۹	۰/۱۰۳	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰
تحت پوشش نهاد حمایتی	-۰/۰۷۱	۰/۱۴۹	-۰/۰۲۸	۰/۶۳۴
قدرت پس‌انداز	۰/۱۵۵	۰/۱۱۲	۰/۰۸۰	۰/۱۶۵
برخورداری از حق مالکیت قانونی	-۰/۹۷۸	۰/۴۳۵	-۰/۱۲۵	۰/۰۲۵

جدول ۲۰ نشان می‌دهد از بین متغیرهای مستقل متغیر برخورداری از حق مالکیت قانونی با $\beta = -0/978$ بیشترین تأثیر را در متغیر توانمندی زنان دارد و پس از آن دسترسی به تسهیلات بانکی با $\beta = 0/409$ ، میزان درآمد با $\beta = 0/226$ ، قدرت پس‌انداز با $\beta = 0/155$ ، تحت پوشش نهاد حمایتی بودن با $\beta = -0/071$ ، نوع شغل با $\beta = 0/057$ و در آخر

دسترسی به شغل دارای درآمد با $\beta = -0.30$ در تبیین متغیر وابسته تأثیر داشته است. براساس ضریب معناداری در جدول ۲۱، با $p \leq 0.05$ می‌توان نتایج تحقیق را به جامعه آماری تعمیم داد.

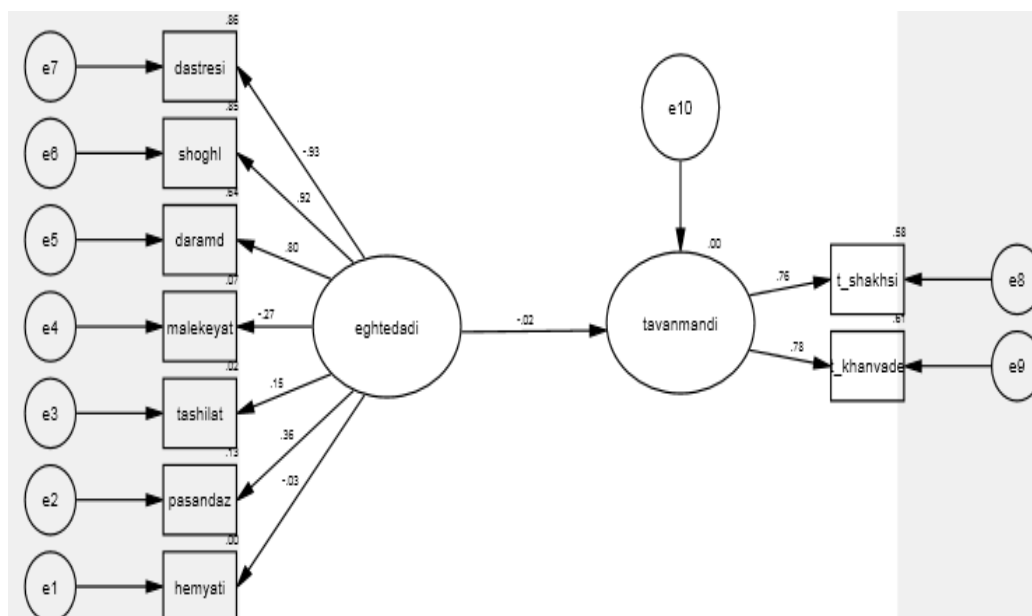
جدول ۲۱. تحلیل واریانس برای آزمون معناداری شکل رگرسیونی (برآورد واریانس)

Model	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
مجموع مجذورات رگرسیون	۵۸,۴۲۱	۷	۸,۳۴۴	۱۲,۲۵۸	۰,۰۰۰
مجموع مجذورات باقی‌مانده	۲۴۷,۱۴۸	۳۶۳	۰,۶۸۱		
جمع کل	۳۰۵,۵۶۹	۳۷۰			

مدل معادله ساختاری

یکی از روش‌های نوین بررسی روابط علی بین متغیرها روش معادله ساختاری است. در این پژوهش از نرم‌افزار AMOS برای تحلیل معادلات ساختاری مدل پیشنهادی استفاده شده است. نرم‌افزار AMOS یک برنامه رایانه‌ای بسیار پیچیده و انعطاف‌پذیر است که با آن می‌توان انواع مختلف روابط متغیرها را تحلیل و مطالعه کرد.

باتوجه به مباحث مطرح‌شده در چارچوب نظری پژوهش، عوامل اقتصادی چون دسترسی به شغل دارای درآمد، نوع شغل، میزان درآمد، دسترسی به تسهیلات بانکی، تحت پوشش نهاد حمایتی قرارداشتن، قدرت پس‌انداز، و برخورداری از حق مالکیت قانونی از جمله متغیرهایی هستند که بر توانمندسازی زنان اثر می‌گذارند و در این پژوهش به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. توانمندسازی نیز متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. پس از استخراج داده‌ها و تجزیه و تحلیل نتایج آن‌ها با بهره‌گیری از نظریات مطرح‌شده مدل معادله ساختاری تحقیق با استفاده از نرم‌افزار آموس بدین ترتیب ترسیم شد.



شکل ۳. مدل معادله ساختاری تحقیق

جدول ۲۲. شاخص‌های برازش مدل و تفسیر برازش قابل قبول

شاخص برازش مدل	سطح قابل قبول	تفسیر	میزان حاصل	حد پذیرش
کای اسکوتر (CMIN)	مقدار کای اسکوتر جدول	کای اسکوتر به‌دست‌آمده با کای اسکوتر جدول برای یک درجه آزادی مشخص مقایسه می‌شود.	۲۶۹,۲۱۴	قابل قبول
کای اسکوتر نسبی (CMIN/DF)	از ۱ تا ۵ قابل پذیرش ولی بین ۲ تا ۳ خوب	مقدار کمتر از ۱ نشان‌دهنده ضعف برازش و مقدار بیشتر از ۵ منعکس‌کننده نیاز به بهبود است.	۴	قابل قبول
نیکویی برازش (GFI)	(عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	مقدار نزدیک به ۰,۹۵ منعکس‌کننده یک برازش مطلوب است.	۰,۸۷۲	تأیدی قابل قبول
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	کوچک‌تر از ۰,۱۰	مقدار کمتر از ۰,۰۵ یک برازش خوب را نشان می‌دهد.	۰,۱۵۸	تأیدی قابل قبول
توکر لوئیس (TLI)	(عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	تلاش می‌کند تا نقطه‌ضعف شاخص بنتلر- بونت (NFI) در به‌حساب‌نیابردن جریمه شاخص برای افزودن پارامتر را مرتفع کند.	۰,۷۴۴	تأیدی قابل قبول
شاخص تطبیقی IFI	(عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	براساس مدل تدوین شده یا مفروض با مدل استقلال	۰,۹۹۶	قابل قبول
RMR	مقدار نزدیک به صفر	ماتریس باقی‌مانده برای مقایسه دو مدل متفاوت با داده‌های یکسان که کوچک‌تر بودن آن برای یک مدل در مقایسه با مدل دیگر می‌تواند به‌عنوان یکی از معیارهای بهتر بودن آن مدل تلقی شود.	۰,۰۱۷	قابل قبول
شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)	بالتر از ۰,۵۰ یا ۰,۶۰	از حاصل ضرب نسبت اقتصاد مدل در شاخص برازش هنجار شده حاصل می‌شود.	۰,۵۷۸	قابل قبول
شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)	بالتر از ۰,۵۰ یا ۰,۶۰	هرچه مدل به یک اشباع شده نزدیک‌تر باشد بیشتر جریمه می‌شود.	۰,۵۸۹	قابل قبول

جدول ۲۲، شاخص‌های برازش مدل و تفسیر قابل قبول آن را نشان می‌دهد. با استفاده از شاخص‌های کلی برازش می‌توان به این پرسش پاسخ داد که صرف‌نظر از مقادیر خاص گزارش شده برای پارامترها، آیا به‌طور کلی مدل تدوین شده توسط داده‌های تجربی گردآوری شده حمایت می‌شود یا خیر؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، مدل پذیرفتنی است. در غیر این صورت، باید نسبت به اصلاح آن اقدام کرد. باتوجه به شاخص‌های نیکویی و برازش مدل (ذکر شده در جدول ۲۲)، $RMSEA = 0,158$ ، $CMIN = 269,214$ ، $CMIN/DF = 4$ ، $GFI = 0,872$ ، $TLI = 0,744$ ، $IFI = 0,996$ ، $RMR = 0,017$ ، $PNFI = 0,578$ و $PCFI = 0,589$ مدل تحقیق از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار است.

نتیجه‌گیری

به‌دنبال بازنگری مفهوم توسعه پایدار، امروزه کشورهای در حال توسعه در پی جلب مشارکت زنان در فرایند توسعه‌اند، اما در محلات فرودست شهری سطح بسیار نازل وضعیت اقتصادی زنان مانع فعالیت اجتماعی و تشکیل سرمایه اجتماعی و نیز مشارکت مؤثر آنان می‌شود. این وضعیت نقش فاعلیتی زنان را نادیده یا کم‌اثر جلوه می‌دهد و آنان را در شرایط فرودستی نگه می‌دارد و قدرت نقش‌آفرینی در تصمیم‌گیری‌های درون و بیرون خانواده را سلب می‌کند. تاکنون همه طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های اسکان غیررسمی با محوریت نقش مردان انجام شده است، زیرا زنان را دارای نقشی تبعی و دنباله‌رو در سامان‌دهی اسکان غیررسمی دانسته‌اند. مطالعات نشان می‌دهند که این طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در سامان‌دهی محلات فرودست شهری، که عمدتاً غیرمشارکتی‌اند و زنان را از قابلیت‌ها و توانمندی‌های خویش دور می‌کنند، ناکارآمدند.

در رابطه با توانمندسازی زنان، پژوهش‌ها و تحقیقات متعددی انجام گرفته است؛ اما در زمینه توانمندسازی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی تاکنون مطالعه‌ای انجام نشده است. به عبارت دیگر، در بین پژوهش‌های انجام‌گرفته، به‌طور

جامع و مستقل توانمندسازی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی بررسی نشده است. در بیشتر مطالعاتی که تاکنون انجام گرفته توانمندسازی زنان در شهرها و روستاها به صورت مجزا مطالعه شده و این در حالی است که سکونتگاه‌های غیررسمی با ساختار دوگانه شهری-روستایی شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارند. در پژوهش حاضر برای نخستین بار در ایران به رابطه مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی با توانمندسازی زنان ساکن در محلات فرودست شهری پرداخته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که همه عوامل اقتصادی موردبررسی با توانمندسازی زنان دارای رابطه معناداری هستند و ارتقای عوامل اقتصادی مستقیماً به توانمندسازی زنان منجر می‌شود. در این راستا یافته‌های پژوهش فنی و فرج‌زاده (۱۳۹۳) نیز نشان داد که هر چه امتیاز زنان در توانمندی شغلی بیشتر باشد در فقرزدایی اقتصادی آن‌ها نیز تأثیر بیشتری دارد؛ با این تفاوت که در تحقیق آنان فقط متغیر توانمندی شغلی بررسی شده است. همچنین، نتایج این تحقیق با نتایج سایر تحقیقات پیشین از جمله کتابی و همکاران (۱۳۸۸)، نوابخش و همکاران (۲۰۱۵)، هاشمی و همکاران (۱۹۹۶)، رحمان (۱۹۸۶)، پیت و خاندکر (۱۹۹۶)، و بشری و وجیهه (۲۰۱۵) در زمینه بررسی رابطه متغیرها یا عوامل اقتصادی با توانمندسازی زنان مطابقت دارد. از میان عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان، عامل برخورداری از حق مالکیت قانونی (خانه، زمین، ماشین و ...) بیشترین تأثیر را در توانمندسازی زنان دارد. درواقع، زنان از نظر مالکیت اموال و دارایی‌ها در سطح پایینی هستند و برخورداری آن‌ها نیز به افزایش تصمیم‌گیری در حوزه فردی و خانوادگی منجر نمی‌شود. این مسئله به دلیل باورهای جنسیتی موجود در جامعه است که به ضرر زنان عمل می‌کند.

از نظر وضعیت اشتغال، ۹۰ درصد زنان پاسخ‌گو در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ایلام بیکار و ۸۳ درصد بدون درآمدند. ۸۶ درصد آن‌ها دسترسی کمی به تسهیلات بانکی دارند. به نظر ساختار فرهنگی هر جامعه در این زمینه بسیار تأثیرگذار است. داده‌های پژوهش همچنین بیانگر آن است که فقط ۱۵ درصد از زنان تحت پوشش نهاد حمایتی قرار دارند و در نهایت ۸۵ درصد از زنان پاسخ‌گو قدرت پس‌انداز اندکی دارند. نتیجه آنکه توانمندسازی زنان هم‌ناجی آنان در شرایط کنونی است هم زمینه ظرفیت‌سازی محلی و تحقق مشارکت‌پذیری مؤثر همه گروه‌ها در فرایند تصمیم‌گیری و سامان‌دهی این نوع از سکونتگاه‌هاست.

منابع

۱. ابوالفتح‌زاده، زهرا؛ یوسفی، علی و امینی، امیرمظفر (۱۳۹۵). ارزیابی عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان اصفهان، فصل‌نامه پژوهش‌نامه زنان، ۷(۱): ۱-۲۷.
۲. اسداللهی، عبدالرحیم؛ حسین‌زاده، علی‌حسین و نواح، عبدالرضا (۱۳۹۳). نقش نهاد اقتصاد و فرهنگ در توسعه و حاشیه‌نشینی: شاخص توسعه انسانی در مناطق حاشیه‌نشین شهر ایلام، فصل‌نامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱(۲): ۱۰۹-۱۳۳.
۳. جهان‌بین، رضا (۱۳۸۷). سیاست‌ها و راهبردهای توانمندسازی محلات اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: شهر تبریز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، دانشگاه تبریز.
۴. خالوباقری، مهدیه و قریشی، محمدشایا (۱۳۹۰). نابرابری اقتصادی و شکل‌گیری و رشد سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرها با تأکید بر ایران، اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. خانی، فزیله و مردانی، مریم (۱۳۸۷). توسعه‌یافتگی و شاخص‌های فقر انسانی و جنسیتی، مناطق شهری و روستایی ایران - سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، مجله پژوهش زنان، ۶(۴): ۷۵-۱۰۸.
۶. شادی‌طلب، ژاله، وهابی، معصومه و ورمزیار، حسن (۱۳۸۴). فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۷): ۲۲۷-۲۴۸.
۷. شکوری، علی؛ رفعت‌جاه، مریم و جعفری، معصومه (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها، مجله پژوهش زنان، ۵(۱): ۱-۲۶.
۸. فنی، زهره و فرج‌زاده، مژگان (۱۳۹۳). توانمندسازی شغلی زنان و توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: زنان شاغل منطقه ۱۸ شهر تهران)، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۱(۱): ۹۱-۱۰۲.
۹. کبیر، نایلا (۱۳۸۹). تأملی در سنجش قدرتمندشدن زنان: منابع، عاملیت، دستاوردها، ترجمه فاطمه صادقی، در: مجموعه مقالات توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه، تهران: نشر آگه.
۱۰. کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت و فرخی‌راستایی، زهرا (۱۳۸۸). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، مجله پژوهش زنان، ۲(۷): ۳۰-۵.
۱۱. مالوتره، آنجو؛ بوندر، کارول و شولر، سیدنی روث (۱۳۸۹). سنجش توانمندی زنان به‌عنوان یک متغیر در توسعه بین‌المللی، ترجمه هما مداح و فاطمه محمدی، در: مجموعه مقالات توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه، تهران: نشر آگه.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان ایلام در سال ۱۳۹۰.
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سالنامه آماری استان ایلام در سال ۱۳۹۵.
۱۴. مهندسین مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۶). مطالعات امکان‌سنجی به‌سازی و توانمندسازی محلات فقیرنشین شهر ایلام، سازمان مسکن و شهرسازی استان ایلام.
۱۵. نقدی، اسداله و رضایی، طوبی (۱۳۹۳). مطالعه نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی زنان حاشیه‌نشین شهر ایلام، فصل‌نامه فرهنگ ایلام، ۱۵(۴۳-۴۲): ۱۰۳-۱۱۹.
16. Abolfathizadeh, Z.; Yousefi, A. and Amini, A.M. (2016). Evaluation of the Effective Factors on Empowerment of Rural Women in Isfahan City, *Women's Studies Journal*, 7(1): 1-27 (In Persian).
17. Asadollahi, A.R.; Hosseinzadeh, A.H. and Navah, A.R. (2014). The role of the institution of economics and culture in development and marginalization: Human development index in the marginal areas of Ilam City, *Journal of Sociology of Social Institutions*, 1(2): 109-132 (In Persian).

18. Bushra, A. and Wajiha, N. (2015). Assessing the Socio-Economic Determinants of Women Empowerment in Pakistan, *Global Conference on Contemporary Issues in Education, GLOBE-EDU 2014*, 12-14 July 2014, Las Vegas, USA, pp.3-8.
19. Fanni, Z. and Farajzadeh, M. (2014). Women's Job Empowerment and Sustainable Urban Development (Case Study: Women Workers in District 18 of Tehran), *Journal of Geography and Urban Space Development*, 1(1): 91-102 (In Persian).
20. Hashemi, S.M.; Schuler, S.R., Riley, A.p, (1996). Rural credit programs and women's empowerment in Bangladesh, *World Development*, 24(4): 635-653.
21. Jahanbin, R. (2008). *Policies and strategies for empowerment of informal settlements (Case study: Tabriz city)*, Master of science Geography and Urban Planning, Faculty of Geography and Environmental Sciences, Tabriz University (In Persian).
22. Kabeer, N. (1999). The conditions and consequences of choice: Reflections on the measurement of women's empowerment, united nations, *Research institute for social development*, 108. Switzerland
23. Kabeer, N. (2000). *The Power to Choose: Bangladeshi women and labour market decisions in London and Dhaka*, Verso, London and New York, 56(1): 217-219.
24. Kabeer, N. (2010). A reflection on women's empowerment: resources, agency, achievements, translation by Fatemeh Sadeghi, *Proceedings of Women's Empowerment: A Critique of Common Approaches to Development*, First Edition, Agah Publishing, Tehran (In Persian).
25. Khalobagheri, M. and Qorishi, M.Sh. (2011). Economic Inequality and the Formation and Growth of Informal Settlements in Cities with Emphasis on Iran, *First Conference on Urban Economics in Iran, Ferdowsi University of Mashhad* (In Persian).
26. Khani, F. and Mardani, M. (2008). Development and Indices of Human and Gender Poverty, Urban and Rural Areas of Iran, Years 1375 and 1385, *Women's Research*, 6(4): 75-108 (In Persian).
27. Ketabi, M.; Yazdkhasti, B. and Farrokhirastaei, Z. (2009). Empowerment of Women for Participation in Development, *Women Research*, 2(7): 5-30 (In Persian).
28. Malhotra, A.; Boender, C. and Schuler, S.R. (2010). Measurement of women's empowerment as a variable in international development, translation of Homa Madad and Fatemeh Mohammadi, *Proceedings of Women Empowerment: A Critique of the Common Approaches to Development*, First Edition, Agah Publishing, Tehran (In Persian).
29. Naghdi, A.A. and Rezaei, T. (2014). Study of attitudes and social behaviors The marginal women of the city of Ilam, *Ilam Culture*, 15(42-43): 119- 103 (In Persian).
30. Navabakhsh, M. et al. (2015). An Assessment of Effective Factors on Economic Empowerment (Case Study: Vulnerable Women in Tehran), *Journal of Urban Economics and Management*, 3(12): 1-20.
31. Pitt, M. and Khandker, Sh. (1996). Household and intrahousehold impacts of the Grameen Bank and similar targeted credit programs in Bangladesh, *World Bank, Discussion Papers*, 1(1).
32. Rahman, R.I. (1986). *Impact of Grameen Bank on the situation of poor rural women*, BIDS Working Paper No. 1, Grameen Evaluation Project, Dhaka, Bangladesh Institute of Development Studies.
33. Rifkin, S. (2003). A framework linking community empowerment and health equity: it is a matter of Choice, *Journal of Health Popul Nutr*, 21(3): 168-180.
34. Shaditalab, J.; Vahabi, M. and Varmazyar, H. (2005). Income Poverty Only One Aspect of Poverty in Female Heads of Households, *Quarterly Journal of Social Welfare*, 4(17): 227-248 (In Persian).
35. Shakouri, A.; RafatJah, M. and Jafari, M. (2007). Women's Ability factors and Explaining Affective Factors for Women, *Women's Research*, 5(1): 1-26 (In Persian).
36. Statistical Center of Iran (2011). *Statistical Yearbook of Ilam* (In Persian).

37. Statistical Center of Iran (2016). *Statistical Yearbook of Ilam* (In Persian).
38. Tadbir Shahr Consulting Engineers (2007). Feasibility Studies for the Improvement and Empowerment of poor Neighborhoods in the City of Ilam, Housing and Urban Development Organization of Ilam Province (In Persian).
39. Ugbomeh, G. (2001). Empowerment Women in Agricultural Education for Sustainable rural Development, *Community Development Journal*, 36(4): 289-302.
40. UNFPA (2007). *Women's Economic Empowerment: Meeting the Needs of Impoverished Women*, United Nations Population Fund 220 East 42nd Street New York, New York 10017.
41. UN-Habitat (2003). THE Challenges of Slums: global report on human settlements, 2003/Nairobi Kenya, United Nations Human Settlements Programme, *First published in the UK and USA in 2003 by Earth scan Publications Ltd.*
42. UN-Habitat (2003). *Slums of the World: The face of urban poverty in the new millennium*. available from: unhabitat.org/pmss/listItemDetails.aspx?publicationID=1124, HS Number HS/692/03E, Updated on: 8.2013.
43. UN-Habitat (2010). *Meeting the urban challenges*, UN-Habitat Donors meeting, Seville, 15-16 October 2013, available from: [unhabitat.org/download/docs/5883_42389_meeting the Urban Challenges.pdf](http://unhabitat.org/download/docs/5883_42389_meeting_the_Urban_Challenges.pdf). Updated on: 7.2013.